

خبر ادبی

رد درخواست تجدیدنظر میرج «نوبل»

درخواست تجدیدنظر «ژان کلود آرنو» شخص مرتبط با آکادمی نوبل درباره جرم تجاوز جنسی رد شد و یک مورد دوم تجاوز نیز به محکومیت دو سال زندان او افزوده شد.

به گزارش فارس به نقل از واشنگتن پست، درخواست تجدیدنظر «ژان کلود آرنو» شخص مرتبط با آکادمی نوبل سوئد که اعطا کننده جایزه نوبل ادبیات است، در مورد تجاوز جنسی رد شد و یک مورد دوم تجاوز نیز به محکومیت دو سال زندان او افزوده شد.

دادگاه تجدیدنظر «سیوی» امروز حکم دو سال حبس را برای ژان کلود آرنو را برای دو مورد تجاوز به یک زن در ۷ سال پیش، صادر کرد و درخواست تجدیدنظر وی را رد کرد.

این مرد فرانسوی ۷۲ ساله که همسر عضو سابق هیأت آکادمی نوبل است، در ماه اکتبر برای یک فقره تجاوز در سال ۲۰۱۱ گناهکار شناخته شد.

این رسوایی جنسی منجر به استعفای ۸ عضو از ۱۸ عضو آکادمی نوبل ادبیات شد. به خاطر این رسوایی جنسی و مسائل پیش آمده متعاقب آن، جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۸ با تاخیر به سال ۲۰۱۹ موکول شد.



برگزاری "شب شاهنامه کودک و نوجوان"



به گزارش ایسنا، به مناسبت انتشار شاهنامه دوازده جلدی توسط نشر دیبایه، شبی از شبهای بخارا به رونمایی و معرفی این شاهنامه اختصاص یافته است که امروز پنجشنبه پانزدهم آذرماه در خانه گفتمان شهر (وارطان) برگزار می‌شود. در شب شاهنامه کودک و نوجوان، نوش آفرین انصاری، جلال خالقی مطلق، محمدناصر مودودی، شهرداد میرزایی و علی دهباشی سخنرانی خواهند کرد و در بخشی دیگر، برنامه نقالی از سوی گروه نوجوان هزاران اجرا خواهد شد. علاقه‌مندان به شرکت در این برنامه می‌توانند ساعت ۱۷ روز ۱۵ آذرماه در خانه گفتمان شهر (وارطان) واقع در میدان فلسطین، خیابان طالقانی غربی، ضلع جنوبی، پلاک ۵۱۴ حضور یابند.

در معرفی این مجموعه عنوان شده است: شاهنامه کودک و نوجوان یک مجموعه دوازده جلدی است که تاریخ را با هنر و داستان را با پژوهش پیوند زده است. مخاطب کم‌سال آن قدر جدی گرفته شده که نقشه تک تک داستان‌های شاهنامه برایش ترسیم شده، دودمان شاهان و پهلوانان در درختان جداگانه نقش بسته، تصاویر دلکش در سراسر کتاب‌ها پراکنده شده و فرهنگ واژگان، نام کسان و جای‌های شاهنامه با توضیحات جالب و جذاب در آخر هر کتاب آمده‌اند. هشت جلد نخست - از دیبایه تا پایان هفت‌خان اسفندیار - مبتنی بر نسخه تصحیح استاد دکتر جلال خالقی مطلق متنی وفادار به اصل، ترکیب نظم و نثر و توأم با جزئیات اصیل را به خواننده جوان ارائه می‌دهد که زبان ساده و حماسی آن، در کنار افزوده‌های علمی - پژوهشی، این اثر را نه تنها برای مخاطب خاص بلکه برای همگان خوشگوار و پرنگار می‌سازد.

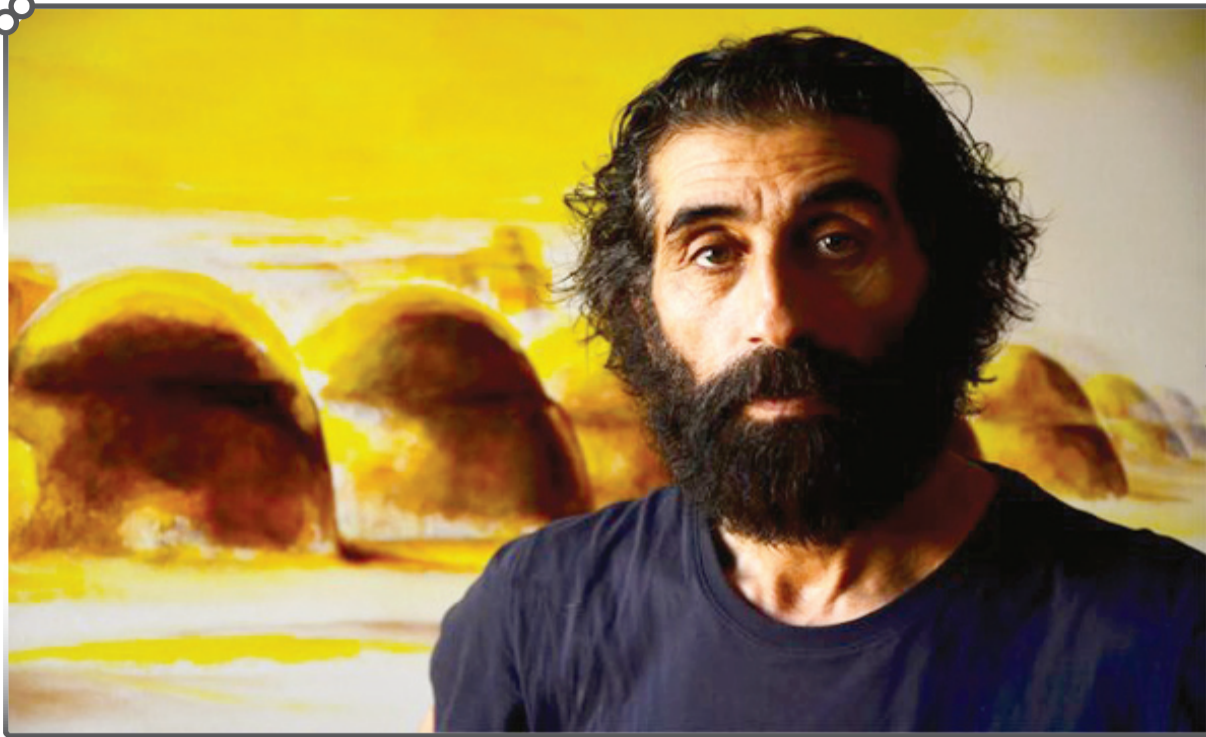
شاهنامه کودک و نوجوان بازنویسی غنی شده شاهکار حکیم و هم‌پذیری نوآوری است در شرح اساطیر.

نغمه

دشت‌هایی چه فراخ!

دشت‌هایی چه فراخ!
 کوه‌هایی چه بلند!
 در گلستانه چه بوی علفی می‌آمد!
 من در این آبادی، بی چیزی می‌گشتم:
 بی خوابی شاید،
 بی نوری، ریگی، لیخنیدی.
 پشت تیربیزی،
 غفلت پاک یود، که صدایم می‌زد.
 پای نی‌زاری ماندم، باد می‌آمد، گوش دادم:
 چه کسی با من، حرف می‌زد؟
 سوسماری لغزید، راه افتادم.
 یونجه زاری سر راه، بعد جالیز خیار، بوته‌های گل رنگ
 و فراموشی خاک.
 لب آبی گیوه‌ها را کندم، و نشستم، پاها در آب:
 «من چه سبزم امروز
 و چه اندازه تنم هوشیار است!
 نکند اندوهی، سر رسد از پس کوه.
 چه کسی پشت درختان است؟
 هیچ، می‌چرخد گاوی در کرد.
 ظهر تابستان است.
 سایه‌ها می‌دانند، که چه تابستانی است.
 سایه‌هایی بی لبک،
 گوشه‌های روشن و پاک،
 کودکان احساس! جای بازی اینجا است.

سهراب از نگاه دیگران



ایسنا: سهراب سپهری در میان عامه مردم یکی از محبوب‌ترین شاعران نیامی است. اقبال مردمی اما الزاما همیشه به معنای تأیید دیگر شاعران و منتقدان نیست. دست کم درباره سهراب سپهری انتقادهای تند کسانی همچون رضا براهنی، مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو نشان می‌دهد که محبوبیت این شاعر در میان مردم منجر به علاقه‌مندی دیگر شاعران به آثار او نبوده است. البته فروغ فرخزاد، سیروس شمیسا و شمس لنگرودی نظر دیگری داشته و قدرت شاعری سهراب را ستوده‌اند.

سپهری نیز خود در نامه‌ای درباره انتقادهایی که به او شده، می‌نویسد: «من می‌دانستم که پاسان‌ها شاعر نیستند. در تاریکی آن قدر مانده‌ام که از روشنی حرف بزنم.»

رضا براهنی در انتقاد از دنیای شعری سهراب سپهری می‌گوید: «ما باید شاعر این دنیای آشفته به‌هم‌ریخته باشیم. پشت کردن به این دنیا کار درستی نیست و متأسفانه سپهری به این دنیای آشفته پشت کرده است. در یکی از شعرهایش به نام «مسافر»، سپهری از «بادهای همواره» خواسته است که «حضور هیچ ملایم» را به او نشان بدهند. ولی این جهان آن‌چنان به خیاالت آلوده است که هرگز نمی‌توان حضور هیچ ملایم را به سپهری نشان داد... موقعی که جهان بدل به چیزی خفقان آور شده است و دو سوم دنیا گرسنه است و ملتی ساده‌لوح جهانی را به مسلسل بسته می‌خورد؟»

احمد شاملو هم معتقد است، تعریفش از سهراب از شعر با تعریف سهراب از این مقوله متفاوت است: «باید فرصتی پیدا کنم یک بار دیگر شعرهایش را بخوانم، شاید نظرم درباره کارهایش تغییر پیدا کند. یعنی شاید بازخوانی‌اش بتواند آن عرفانی را که در شرایط اجتماعی سال‌های پس از کودتای ۳۲ در نظرم نامربوط جلوه می‌کرد، امروز به صورتی توجیه کند. سر آدم‌های بی‌گناهی را لب‌چوب می‌برند و من دو قدم پایین‌تر با یستم و توصیه کنم که: «آب را گل نکنید!» تصور این بود که یکی‌مان از مرحله پرت بودیم... آن شعرها گاهی بیش از حد زیباست، فوق‌العاده است... دست کم برای من فقط زیبایی کافی نیست: چه کنم؟ اختلاف ما در موضوع کاربرد شعر است. شاید نگاه من از آن است که ترجیح می‌دهم شعر شیور باشد نه لالایی؛ یعنی بیدارکننده باشد نه خواب‌آور.» اما فروغ فرخزاد که از دوستان سهراب سپهری هم بوده است، نظر متفاوتی دارد: «سپهری از بخش آخر کتاب «آوار آفتاب» شروع می‌شود و به شکل خیلی تازه و مسحورکننده‌ای هم شروع می‌شود و همین‌طور ادامه دارد و پیش می‌رود. سپهری با همه فرق دارد. دنیای فکری و حسی او برای من جالب‌ترین دنیاهاست. او از شهر و زمان و مردم خاصی صحبت نمی‌کند. او از انسان و زندگی حرف می‌زند و به همین دلیل وسیع است. در زمینه وزن راه خودش را پیدا کرده. اگر تمام نیروهایش را فقط صرف شعر می‌کرد، آن وقت می‌دیدید که به کجا خواهد رسید.»

مهدی اخوان ثالث معتقد است، نقاشی‌های

انتشار ۲ رمان و ۲ کتاب تاریخی و فلسفی

کتاب‌های «رنج دلدادگی» نوشته تئودور فونتانه با ترجمه مرجان محمدی، «در پی سرچشمه‌های ادیان» نوشته میرچا الیاده با ترجمه مینا غرویان، «کاش کنارم بودی» نوشته رنه کارلینو با ترجمه بهاره نوبهار و «فیلسوفان در خیابان» با عنوان فرعی «زندگی بررسی شده» نوشته آسترا تایلر با ترجمه شهاب‌الدین عباسی منتشر شدند.

به گزارش ایسنا، کتاب «رنج دلدادگی» نوشته تئودور فونتانه با ترجمه مرجان محمدی در ۲۲۲ صفحه با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه توسط نگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه منتشر شده است.

تئودور فونتانه، شاعر و مهم‌ترین رمان‌نویس رئالیست قرن نوزدهم آلمان است. از جمله آثار او می‌توان به تابستانی در لندن، مردان و قهرمانان، پیش از طوفان و افی بریست اشاره کرد. فونتانه رمان «رنج دلدادگی» (به آلمانی: Irrungen, Wirrungen) را در سال ۱۸۸۸ نوشت.

زنگ ادبیات

داستان‌هایی از نویسندگان ایرانی در ایتالیا

به گزارش ایسنا، گردآوری و ترجمه داستان‌های «آوای ایران» که با عنوان اصلی «Il Richiamo della Persia» از سوی انتشارات آرته باریا در ایتالیا چاپ شده، به عهده مریم رحیمی بوده است.

در معرفی این مترجم عنوان شده است: رحیمی یکی از داستان‌نویسان مهاجر ایرانی است که از ۱۸ سالگی به قصد تحصیل به ایتالیا رفت و در رشته ادبیات ایتالیایی از دانشگاه سی انا فارغ‌التحصیل شد. او اولین رمانش را با عنوان «یک زمزمه در سکوت» با نشر پولیا در سال ۲۰۰۰ چاپ کرد اما موفقیتش به رمان «یلدا و شب بلند و نبرد سخت» برمی‌گردد که استقبال بیشتری از سوی مخاطبان داشت.

«یک مشت خاک وطنم» رمانی دیگر از این نویسنده است که سال ۱۳۹۵ از سوی انتشارات ورجاوند در ایران منتشر شد؛ رمانی درباره دختری که در رؤیای زندگی بهتر از عشق و وطنش می‌گذرد تا به آن سوی مرزها برود و آرزوهای خود را محقق کند، غافل از این که آن‌چه گمان می‌کرده فرسنگ‌ها با واقعیت فاصله دارد.

او مجموعه داستانی از بعضی نویسندگان نسل فعلی ایران گردآوری و ترجمه کرده است با عنوان «آوای ایران» که هفته گذشته در ایتالیا منتشر شد. در این کتاب، داستان‌هایی از نویسندگان و مترجم کتاب، مریم رحیمی به همراه نویسندگان دیگر، منصور علیمراد، یاسر نوروزی، فرید حسینیان تهرانی، سعید بردستانی، مزده شبان، پیروز ابراهیمی، راضیه مهدی‌زاده، بهنام علامی، وهاب نظری، نیلوفر مهرپور، مونا رستا، آرش محمودی و فاطمه بخشی چاپ شده است.



مگر می‌شود آثار همینگوی را نخواند و کازابلانکا را سافت؟



ایبنا-سیامک گلشیری: چند سال پیش یکی از مجلات ادبی از من خواسته بود مطلبی بنویسم درباره اقبال در سینمای جهان و ایران. وقتی به سینمای جهان فکر می‌کردم، بلافاصله آثار بسیاری به ذهن آمد، از چشمان سیاه میخائیلیف گرفته تا میزری راب رینر؛ از اتوبوسی به نام هوس الیا کاران گرفته تا برش‌های کوتاه رابرت آنتن؛ از زنگ‌ها برای که به صدا در می‌آید سَم وود گرفته تا بیلی باتگیت رابرت پنتون. و بسیاری فیلم‌های دیگر که حالا به یاد ندارم.

اما وقتی به سینمای ایران فکر کردم، جز گاو و واقعا سه چهارتای دیگر، چیزی یاد نیامد. فکر کردم چطور با این همه رمان که هر سال منتشر می‌شود و منتشر شده و این همه داستان کوتاه، که به زعم من بسیاری از سینمای ما جلوترند و البته فرصت دیده شدن پیدا نکرده‌اند، هیچ کدام به فیلم تبدیل نشده. آن وقت یاد ماجرای افتادم. یاد یکی از رمان‌هایم که چند سال پیش کارگردانی سفت و سخت به دنبال ساختن آن بود. از جزئیات گرفتن مجوز که بگذریم، یاد می‌آید تهیه‌کننده به او گفته بود نباید توقع چندانی برای فروش فیلم داشته باشد. وقتی فکر می‌کنم می‌بینم بیراه هم نمی‌گفته. در مقایسه با بعضی فیلم‌ها که این روزها پشت سر هم ساخته می‌شوند و گاهی به‌شدت سلیقه مخاطب را تنزل داده‌اند، فروش چندانی پیدا نمی‌کرد. باری به گمان من هسته اصلی سینما، ادبیات است، هرچند این دو می‌توانند مکمل هم باشند. مگر می‌شود مایکل کرتیس آثار همینگوی را نخواند باشد و کازابلانکا را بسازد؟ مگر می‌شود کسی که با مقوله سیر تحول شخصیت در ادبیات آشنا نباشد، بتواند فیلم بسازد؟ مگر می‌شود کسی که با دیالوگ‌های ماندگار تاریخ ادبیات آشنا نباشد، دیالوگ‌های ماندگاری از زبان شخصیت‌هایش نقل کند؟ با همه اینها خوشحالم از اینکه در جشنواره‌ای حضور داشتم که بخش مهمی از آن به اقبال اختصاص داده شده و تعجب می‌کنم چطور چنین بخشی هنوز به جشنواره‌های فیلم‌های بلند ما راه نیافته. امیدوارم روزی فیلمسازان ما درک کنند که کارگردان و اهمیت کارگردان بودن، گاهی وقت‌ها از اهمیت مؤلف‌بودن در سینما به مراتب بیشتر است و متن ادبی می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در آثار تصویری‌شان داشته باشد و امیدوارم روزی این بخش به جشنواره‌های آثار بلند ما نیز راه یابد.

چند کتاب برتر سال ۲۰۱۸ را بشناسید!

مراکشی تبار اهل فرانسه است که با این رمان موفق به کسب جایزه «گنکور» مهم‌ترین جایزه ادبیات فرانسه شده و در آن به خواسته‌های ممنوعه والدین از پرستاران بچه و همچنین تنش‌های نژادی و طبقاتی پرداخته است. در این رمان که به شکل مسحورکننده‌ای پرپیچ و خم است تنها یک چیز کاملا روشن است: تنهایی می‌تواند شما را دیوانه کند.

آن‌جا آن‌جا نوشته تامی ارونج

رمان «آن‌جا آن‌جا» که به فهرست اولیه نامزدهای جایزه ملی کتاب آمریکا نیز راه یافت به عنوان اولین اثر نوشته «تامی ارونج»، تعمقی بلندپروازانه در باب هویت و جایگزین‌های شکست‌خورده آن و اسطوره از دریچه زسان، فقر و زندگی شهری است.

فصل‌های بسیار کوتاه این رمان از زاویه دید گروه‌های بومی سرخپوستی روایت می‌شود که در اوکلند کالیفرنیا زندگی می‌کنند و در حال عزم‌ت برای شرکت در اجتماع بزرگ بومیان هستند. همان‌طور که «جفری چاسر» در آثارش عنوان می‌کند آن‌ها همه زائرانی هستند که در مسیر رسیدن به یک حرم مقدس‌اند و یا بر اساس توصیف «ویلیام فاکنر» در رمان «جان که می‌دادم» («گور به گور»، خانواده‌های بزرگانند که در حال عبور از چشم‌انداز هستند.



بیماری را در سال‌های نخست نشان می‌دهد و به پیامدهای آن در طول چندین دهه می‌پردازد. این رمان با نگاهی همدلانه و عاری از رویکرد احساساتی توانست به خوبی جایگاه خود را در میان نامزدهای جایزه بوکر و جایزه ملی کتاب آمریکا در بخش ادبیات داستانی پیدا کند.

تراشه شیرین نوشته لیلا سلیمانی

ما از ابتدای داستان ناخوشایند و اخطارآمیز «ترانه شیرین» (که با نام‌های «لالایی» و «پرستار فوق‌العاده بچه» نیز شناخته می‌شود) می‌دانیم که یک پرستار دو پچه‌ای را که به او سپرده شده گشته است اما آن‌چه بیشتر در این داستان نامتعارف قابل توجه است تحلیل رابطه خاص میان یک مادر و کسی است که او برای نگهداری او فرزندانش استخدام کرده است. لیلا سلیمانی نویسنده و روزنامه‌نگار

به گزارش ایسنا، به تدریج به روزهای پایانی سال ۲۰۱۸ میلادی نزدیک می‌شویم؛ به همین مناسبت سردبیران بخش کتاب نشریه نیویورک تایمز به معرفی ۱۰ کتاب برتر منتشر شده در آمریکا طی سال جاری میلادی شامل آثار ادبیات داستانی و غیرداستانی پرداخته و خواندن آن‌ها را به کتاب‌دوستان توصیه کرده‌اند.

عدم تقارن نوشته لیسا هالیدی

در رمان «عدم تقارن» دو بخش از داستان که ظاهراً هیچ ارتباطی با هم ندارند از طریق یک بخش پایانی تکان‌دهنده به هم پیوند می‌خورند. بخش اول رمان با عنوان «حماقت» روایتگر یک رابطه عاشقانه بین «الیس» یک ویراستار کتاب و نویسنده جوان جوانی نام در میانه‌های دهه سوم زندگی‌اش و «ازرا بلیزر» به عنوان یک رمان‌نویس درخشان و سالخورده است که تا حدودی از روی شخصیت «فیلیپ راث» نویسنده معروف آمریکایی مدل‌برداری شده است. بخش دوم رمان که «جنون» نام دارد درباره یک اقتصاددان عراقی-آمریکایی به نام «عمار جعفری» است که در فرودگاه هیتر و لندن زندانی شده است. رمان نوشته «لیسا هالیدی» اثری تمیز و مختصر است و سبکی گزارشی همچون آثار نوشته «دابلو. جی سبیالد» دارد. «عدم تقارن» اولین رمان «هالیدی» است اما شبیه آثار نویسنده‌گانی است که تاکنون